درخواست عمه برای قصاص برادرزاده

گروه حوادث: کامران علمدهی/ وقتی قضات دیوان عالی کشور با استناد به رضایتنامه مادر مقتول حکم قصاص متهم را نقض کردند، زن میانسال با اعتراض به دادگاه مدعی شد رضایتنامه‌اش صوری بوده و فقط برای اینکه پلیس بتواند متهم را از ترکیه به ایران برگرداند، این رضایتنامه را امضا کرده بود.

به گزارش «ایران»، این پرونده از اواسط سال ۱۴۰۲ با اعلام خبر یک قتل در باغی اطراف کرج به پلیس تشکیل شد. وقتی مأموران به محل حادثه رفتند، مشخص شد که پسرجوانی به نام حمید از سوی پسردایی خود بر اثر شلیک گلوله به قتل رسیده است. مادر مقتول در توضیح ماجرا به پلیس گفت: «اختلاف پسرم و برادرزاده‌ام خسرو بر سر یک زمین بود. پسرم چند ماه قبل زمینی را از فردی خرید و از آنجا که خسرو هم طالب آن زمین بود، از کار حمید ناراحت شد و سر همین موضوع با هم اختلاف پیدا کردند.»

در ادامه تحقیقات معلوم شد که عامل اصلی جنایت پس از قتل پسرعمه‌اش، به کشور ترکیه گریخته است.

در حالی که تلاش برای دستگیری او ادامه داشت، عمه متهم رضایت بدون قید و شرطش را اعلام کرد.

چند هفته بعد نیز خسرو که در ترکیه دستگیر شده بود، به ایران بازگردانده شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او با پذیرش اتهامش گفت: «روز حادثه در باغم نشسته بودم که به یکباره دیدم حمید با اسلحه شکاری که در دست داشت و تیر هوایی می‌زد، وارد شد؛ من هم اسلحه‌ام را برداشتم اما ناگهان یکی از دوستان حمید با پشت قمه ضربه‌ای به گردنم زد که تعادلم را از دست دادم و چون که اسلحه در دستانم بود، ناخودآگاه شلیک کردم و گلوله به حمید خورد.»

با تکمیل تحقیقات، برای همه متهمان کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۵ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

اولین جلسه دادگاه

در ابتدای این جلسه، مادر مقتول به جایگاه رفت و برای برادرزاده‌اش درخواست قصاص کرد.

بعد از آن متهم به جایگاه رفت و گفت: «من نمی‌خواستم پسرعمه‌ام را بکشم. گلوله ناخواسته شلیک شد و من از ترسم فرار کردم.»

در پایان جلسه، قضات پس از بررسی مدارک و مستندات و درخواست ولی دم، خسرو را به قصاص محکوم کردند.

نقض حکم از سوی دیوان عالی کشور

وقتی پرونده به دیوان عالی کشور رفت، قضات دیوان حکم قصاص خسرو را با این دلیل که مادر مقتول پیش‌تر رضایت بدون قید و شرطش را اعلام کرده بود نقض کردند و خواستار رسیدگی مجدد به اتهام خسرو شدند.

در این میان مادر مقتول به دادگاه رفت و مدعی شد این رضایتنامه صوری بوده و برای اینکه پلیس ترکیه در استرداد متهم همکاری کند، او به ناچار رضایت داده بود.

قضات دیوان پس از اظهارات ولی دم، عنوان کردند در هیچ کجای رضایتنامه قید نشده که سند صوری است و باید موضوع بررسی شود.

دومین جلسه دادگاه

با تکمیل تحقیقات، پرونده دوباره مورد بررسی قرار گرفت و ولی دم بار دیگر بر ارائه رضایتنامه صوری تأکید کرد و گفت: «من هیچ گاه نمی‌توانم از خون پسرم بگذرم. مأموران به من گفتند اگر پلیس ترکیه به این نتیجه برسد که متهم پس از استرداد فقط زندانی می‌شود، سریع‌تر او را تحویل ما می‌دهد. از این رو از من خواستند یک رضایتنامه صوری بنویسم تا با استناد به آن کشور ترکیه قاتل پسرم را تحویل دهد. اما من هرگز او را نبخشیدم و حالا هم درخواستم قصاص است.»

بعد از آن متهم دوباره اظهارات قبلی‌اش را تکرار کرد و گفت: «من ناخواسته شلیک کردم و قصدم کشتن پسرعمه‌ام نبود.»

با پایان جلسه، دادگاه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

پایان تلخ میانجیگری نگهبان برج

گروه حوادث/ نگهبان برج که شاهد درگیری دو برادر بود وقتی برای میانجی‌گری وارد دعوا شد، خودش نیز با ضربات چاقو زخمی و روانه بیمارستان شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت یک بامداد شنبه ۲۲ آذر دو مرد که مجروح شده بودند به بیمارستانی در غرب تهران منتقل شدند اما دقایقی بعد یکی از آنها جان باخت. مرد مجروح درباره علت حادثه گفت: «من نگهبان یک برج در شهرک غرب هستم. مقتول و برادرش نیز ساکن همان برج هستند. در لابی بودم که ناگهان متوجه دعوای آنها شدم؛ یکی از آنها چاقو کشید و دیگری را زد، من برای میانجی‌گری رفتم اما مرد جوان مرا هم زخمی کرد و گریخت.»

به دنبال اظهارات مرد جوان، بازپرس جنایی دستور بازداشت متهم را صادر کرد و تحقیقات در این خصوص از سوی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت ادامه دارد.

افشای راز سیاه با اعترافات پسر شرور

گروه حوادث/ پسر شرور که متهم است با دوستش به یک دختر تعرض کرده‌اند، در حالی منکر اتهام خود شد که دوستش راز این جنایت سیاه را برملا کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل مردی دوچرخه سوار که قصد داشت به پارک سرخه حصار برود، با شنیدن صدایی عجیب از میان خرابه‌ها به سمت صدا رفت و ناگهان با دختری نیمه جان مواجه شد. وی بلافاصله با اورژانس و پلیس تماس گرفت و دختر جوان به بیمارستان منتقل شد. فرانک پس از بهبودی نسبی راز جنایت سیاهی که برایش رقم خورده بود را برملا کرد و گفت: «مدتی قبل در اینستاگرام با پسری به نام وحید آشنا شدم، هنوز چند هفته‌ای نگذشته بود که پیشنهاد ازدواج داد و از من خواست به دیدار خانواده‌اش برویم. روز حادثه سوار خودروی او شدم اما در کمال تعجب پسری دیگر هم داخل خودرو بود که گفت دوستش است و در مسیر پیاده می‌شود. ما به سمت خیابان دماوند به راه افتادیم اما ناگهان خودرو را به جاده‌ای خلوت کشاند.»

دختر جوان ادامه داد: «وحید شوکر و چاقو بیرون آورد و به سمت من گرفت. التماس‌هایم بی‌فایده بود. او به من تعرض کرد و فیلم گرفت. بعد هم دوستش همین کار را تکرار کرد. بعد هم مرا نیمه جان در خرابه‌ها رها و تهدید کردند اگر شکایت کنم فیلم را منتشر می‌کنند.»

به دنبال اظهارات دختر جوان، تحقیقات به دستور بازپرس گودرزی آغاز شد و بررسی‌ها نشان می‌داد وحید سه سال قبل نیز به همین اتهام بازداشت شده اما از اتهامش تبرئه شده است. در ادامه وحید و دوستش بازداشت شدند. در حالی که وحید منکر اتهام خود بود دوستش به جنایت سیاه اعتراف کرد. به دستور بازپرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی تهران هر دو متهم بازداشت شده و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

وکیل اولیای دم امیرمحمد خالقی:

حق قانونی برای اجرای قصاص محفوظ است

وکیل اولیای دم پرونده امیرمحمد خالقی پسر دانشجویی که به دست سارقان به قتل رسید از محفوظ بودن حق قصاص قاتل بعد از مهلت دو ماهه خانواده مقتول خبر داد.

حمیدرضا حاجی‌اسفندیاری، وکیل اولیای دم امیرمحمد خالقی به مهر گفت: «اولیای دم پای چوبه دار به قاتل ۲ ماه مهلت دادند. توصیه‌هایی که در زمان اجرای حکم درباره موضوعاتی مانند حفظ قرآن مطرح شد، فقط جنبه اخلاقی و ارشادی داشته و به‌هیچ‌وجه به‌عنوان شرط قانونی یا قطعی برای گذشت مطرح نبوده است. مطابق قانون و پس از پایان این مهلت، حق قانونی آنان برای اجرای حکم قصاص همچنان محفوظ است.

وکیل اولیای دم با تأکید بر اینکه هیچ تضمینی برای توقف قطعی اجرای حکم داده نشده است، تصریح کرد: «بخشی از موارد مورد توجه اولیای دم، احراز ندامت و پشیمانی واقعی محکوم‌علیه است که این موضوع با همکاری مددکاری کانون اصلاح و تربیت در حال بررسی است. در نهایت، تصمیم‌گیرنده فقط خانواده مرحوم هستند.

امیرمحمد خالقی، دانشجوی دوره کارشناسی رشته مدیریت کسب‌وکار دانشگاه تهران، شامگاه ۲۴ بهمن ۱۴۰۳ در محدوده پل گیشا و هنگام مراجعه به خوابگاه کوی دانشگاه، توسط دو سارق موتورسوار با سلاح سرد مورد ضرب‌وجرح قرار گرفت و بامداد پنجشنبه ۲۵ بهمن در بیمارستان جان باخت.

از گوشه و کنار ایران

نامادری «آوا» مجازات شد

زن جوان که باعث مرگ دختر ۴ ساله شوهرش شده بود پس از ۲ سال به دار مجازات آویخته شد.

پاییز سال ۱۴۰۲ نامادری آوا در تماس با همسرش که در تبریز کار می‌کرد مدعی شد آوا در خواب تشنج کرده است. وقتی پدر بلافاصله خود را به بیمارستان رساند در آنجا به وی گفتند دخترش مورد ضرب و جرح و شکنجه قرار گرفته است. پدر آوا نیز برای بررسی موضوع تصاویر دوربین‌های مداربسته خانه را بررسی کرد و متوجه شد همسر دومش دراقدامی عجیب دختر کوچولو را کتک زده و از پله‌ها به داخل حیاط پرت کرده است. کودک که دچار خونریزی مغزی شده بود ۱۰ روز بعد جان باخت.

ناصر عتباتی رئیس کل دادگستری استان آذربایجان غربی در تشریح این خبر گفت: «موضوع قتل دختر بچه ۴ ساله ارومیه‌ای به دست نامادری باعث جریحه دار شدن احساسات عمومی مردم شد. پس از صدور کیفرخواست در دادسرا حکم اولیه در دادگاه کیفری یک صادر و توسط دیوان عالی کشور تأیید شد. علاوه بر مادر آوا که قصاص نفس مرتکب را به جد مطالبه کرده بود اذهان عمومی هم اجرای قصاص نفس مرتکب را خواستار بودند تا اینکه حکم قصاص نفس این زن سحرگاه شنبه ۲۲ آذر به مرحله اجرا درآمد.»

مرد همسایه سارق طلاهای پیرزن بود

یکی از سارقان طلاهای زن سالخورده در بروجرد، همسایه‌اش بود.

سرهنگ مهدی مهدوی کیا فرمانده انتظامی شهرستان بروجرد گفت: «در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع سرقت طلاهای زنی سالخورده در یکی از محله‌های شهر بروجرد، مأموران انتظامی به محل اعزام شدند. بررسی‌های اولیه حاکی از آن بود که دو سارق با چهره پوشیده و تهدید صاحب‌خانه، اقدام به سرقت مقداری طلا از وی کرده و متواری شدند.

با توجه به حساسیت موضوع و نبود هیچ‌گونه سرنخ، تیمی از مأموران پلیس با استفاده از اقدامات پلیسی و اشراف اطلاعاتی توانستند هویت و محل اختفای سارقان را شناسایی و در عملیاتی غافلگیرانه، هر دو سارق را دستگیر کنند. در تحقیقات تکمیلی مشخص شد یکی از سارقان با شاکی پرونده روابط همسایگی داشته و مدتی وی را تحت نظر گرفته و سپس در فرصتی مناسب اقدام به ارتکاب این جرم کرده است.

عروسی با تیراندازی عزا شد

شلیک مردی جوان در عروسی با سلاح جنگی منجر به مرگ یکی از میهمانان شد.

سرهنگ «علی امانی» فرمانده انتظامی کوهدشت در تشریح جزئیات این خبر اظهار کرد: در پی وقوع یک فقره قتل در مراسم عروسی به دلیل تیراندازی‌های غیرمتعارف با سلاح جنگی، مأموران کلانتری ۱۲ وارد عمل شده و درکمتر از یک ساعت متهم را شناسایی و در مخفیگاهش دستگیر کردند و سلاح بکار رفته نیز کشف شد.

متهم مدعی شد به خاطر نداشتن توانایی در کنترل سلاح و آشنا نبودن به اصول و فنون تیراندازی هوایی چنین حادثه‌ای را رقم زده است.

فرمانده انتظامی کوهدشت با هشدار نسبت به پیامدهای خطرناک استفاده از سلاح گرم در جشن‌ها و دیگر مراسم، خاطرنشان کرد: هیچ شادی با شلیک گلوله معنا پیدا نمی‌کند و کوچکترین بی‌احتیاطی می‌تواند یک جشن خانوادگی را به صحنه‌ای از غم و سوگ تبدیل کند.

عبدالصمد خرمشاهی، وکیل متهمان جنجالی در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

انتخاب سخت وکلا در پرونده‌های جنایی

گفت و گو

احسان گل محمدی
روزنامه‌نگار

سالهاست نام عبدالصمد خرمشاهی با بسیاری از پرونده‌های جنجالی گره خورده است. او تاکنون وکالت بیش از ۵۰۰ پرونده قتل را برعهده داشته است؛ فاطمه مطیع، افسانه نوروزی، کبری رحمانپور، شهلا جاهد، دلارا دارابی، ریحانه جباری، نازنین تشکری، فاطمه حقیقت پژوه، آرمان عبدالعالی و... تنها بخشی از موکلانی هستند که در دو دهه اخیر پرونده آنها با حضور خرمشاهی بررسی شده است. وی در سال ۱۳۲۸ در قزوین متولد شده و در سال ۱۳۵۲ از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده است. اولین پرونده خود را در سال ۶۸ وکالت کرد و در آن پرونده ۴۰هزار تومان به عنوان حق‌الوکاله گرفت. در مورد نحوه ورودش به حرفه وکالت از پدربزرگ خود یاد می‌کند که به عنوان یکی از اولین وکلای ایران در قزوین پروانه پایه یک گرفت و بعد از پدرش می‌گوید که حدود ۶۰سال هم قضاوت و هم وکالت را تجربه کرد. این مسائل باعث شد که او هم این حرفه را دنبال کند؛ جالب اینکه او ۴ فرزند دارد و تمامی فرزندانش هم وکیل هستند. برای دیدن ویدیوی اولین برنامه «خط گفت‌وگو» رمزینه پایان خبر را اسکن کنید.

آیا اگر به یقین رسیده باشید که موکل شما قاتل است، همچنان از او دفاع می‌کنید؟

اولاً بنده که به عنوان وکیل سر صحنه قتل نبودم که با اطمینان کامل مطمئن شوم موکلم قاتل است، دوماً در صورت اطمینان، هیچ متهمی را نمی‌توان از حق داشتن وکیل، محروم کرد چرا که براساس تکلیف، قانونگذار برای هر متهمی حقوقی را در نظر گرفته است. عدالت حکم می‌کند وکیل حتی از فردی که چندین نفر را کشته به خوبی دفاع کند، بحث این نیست که اگر وکالت یک قاتل را برعهده می‌گیریم، می‌خواهیم از قتل دفاع کنیم، بلکه وظیفه وکیل در پرونده اینچنین است که جزئیات را به‌دقت مورد بررسی قرار دهد تا حقوق متهم ضایع نشود.

وکالت پرونده‌های جنایی نسبت به دیگر پرونده‌ها نیاز به تخصص متفاوتی دارد؟

برخلاف کشور ما در کشورهای دیگر اجازه وکالت پرونده‌های مربوط به قتل را به وکلای تازه کار نمی‌دهند چرا که جان انسان در میان است اما در ایران ما قانونی در این باره نداریم و هر وکیل تازه‌کاری می‌تواند پرونده‌های حساس اینچنینی را بپذیرد. پرونده‌های قتل مانند پرونده‌های مربوط به طلاق نیست که اگر وکیل بد دفاع کرد و زن یا مرد نتوانستند از هم طلاق بگیرند، اتفاق مهمی رخ نداده باشد، بلکه جان یک انسان در دستان وکیل است. در پرونده‌های قتل باید چراغ قوه را روی نقاط تاریک پرونده بیندازید و آن را شفاف کنید. در خیلی از پرونده‌ها اظهارات موکل مرا نیز حیرت‌زده می‌کند زیرا وی به گونه‌ای صحبت می‌کند که نمی‌شود باور کرد این فرد مرتکب قتل شده است اما من همیشه به موکل‌هایم می‌گویم اگر به من راست نگویید خودتان را فریب داده‌اید. از این رو وکالت در پرونده‌های جنایی نیاز به تجربه بسیاری دارد.

اگر در میان بررسی پرونده متوجه شوید که موکل شما قاتل است، آیا باز هم دفاع را ادامه می‌دهید؟

بله دفاع خواهم کرد چرا که می‌خواهم ببینم قتلی که رخ داده قتل غیرعمد بوده یا قتل شبه عمد یا اصلاً از علل موجه جرم بوده است. در خیلی از پرونده‌ها ممکن است فردی، فرد دیگری را به قتل رسانده باشد ولی در آن لحظه جنون گرفته یا مشمول ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی می‌شده و در حالت دفاع مشروع این کار را کرده است.

در پرونده‌هایی که داشتید کدام یک همچنان در ذهن شما است و در خلوت خود به آن فکر می‌کنید.

بالای ۵۰۰ پرونده قتل را وکالت کردم و همیشه قلباً علاقه داشتم تا جان یک انسان بی‌گناه را از چوبه دار نجات دهم، در میان تمامی پرونده‌ها، پرونده دلارا دارابی که تمام شد و حکم هم اجرا شد و اعتبار امر مختومه است به نظر من او بی‌گناه بود و اتهام معاونت هم نمی‌شد به او انتساب داد. از نظر من در سه پرونده متهم مستحق قصاص نبود که یکی از این پرونده‌ها همین پرونده دلارا بود. (دلارا دارابی ۲۳ ساله به اتهام قتل مهین دارابی حقیقی دخترعموی پدرش در سن ۱۷سالگی به اعدام محکوم شده بود.)

پرونده‌هایی که مشخص است نتیجه دادگاه چیست (یعنی قصاص موکل قطعی است) را شما می‌پذیرید؟

پرونده‌هایی که جای دفاع نداشته باشد را اغلب نمی‌پذیرم و خانواده متهم را به گرفتن رضایت ترغیب می‌کنم.

در مورد حرفه وکالت سریال‌های متعددی ساخته شده در یکی از این سریال‌ها که اخیراً بشدت مورد توجه قرار گرفته وکیل پس از تبرئه موکل خود دوباره او را دادگاهی می‌کند و قاتل بودن موکل خود را به استناد صوت صحبت‌های شخصی اثبات می‌کند؛ نظر شما در مورد این موضوع چیست؟

> در یک پرونده به مدارکی رسیده بودم که منافع موکل حکم می‌کرد آن را در دادگاه ارائه کنم، اما ارائه این مدارک از نظر اخلاقی صحیح نبود و آبروی اولیای دم می‌رفت؛ من در این دوراهی، اخلاق را بر منافع موکل ترجیح دادم

چنین موضوعی در عالم واقعیت امکان‌پذیر نیست و اگر وکیلی این کار را انجام دهد تخلف کرده و به دادسرای انتظامی وکلا معرفی می‌شود. وقتی وکیلی از موکل خود دفاع می‌کند و موکل تبرئه می‌شود دیگر کار وکیل در این نقطه تمام است و اینکه او با مدارک به دنبال اثبات قاتل بودن موکل خود باشد، خلاف سوگندی است که یاد کرده و تخلف انتظامی است.

آیا تاکنون شما در میان دوراهی اخلاق و منافع متهم قرار گرفته‌اید؟

بله در پرونده‌های زیادی این اتفاق افتاده است؛ در یک مورد به مدارکی رسیده بودم که منافع موکل حکم می‌کرد آن را در دادگاه ارائه کنم، اما ارائه این مدارک از نظر اخلاقی صحیح نبود و آبروی اولیای دم می‌رفت؛ من در این دوراهی، اخلاق را بر منافع موکل ترجیح دادم. همیشه به این فکر می‌کنم که آیا تصمیم من در این مورد درست بوده یا خیر و نتوانستم در این مورد خودم را قانع کنم که این مدرک را ارائه کنم. اگر به عقب برگردم اخلاق را زیر پا نخواهم گذاشت، چون خیلی مسائل با این تصمیم من به هم گره می‌خورد و آبروی چندین خانواده زیر پا گذاشته می‌شد. ممکن است برخی بگویند اشتباه کردم اما به نظرم اگر هم اشتباه بوده، اشتباه شیرینی بوده و باز هم تکرار خواهم کرد.

آیا در پرونده‌ها فردی را داشتید که تبرئه شده باشد اما بعداً متوجه شوید که او قاتل بوده است؟

این موضوع جزو نوادر است. البته عکس این موضوع را داشتیم چرا که مسائل حقوقی مسائل نظری است و مانند شیمی و ریاضی نیست. در یک پرونده مشابه ممکن است نظر دیوان، دادگاه کیفری و قضات اعاده دادرسی متفاوت باشد.

فرض کنید حکمی برای فردی صادر شود و بعد متوجه شوند که حکم اشتباه صادر شده است، قانون برای این مورد چه تکلیفی در نظر گرفته است؟

در قانون آمده که اگر قاضی حکمی صادر کند که بعداً اثبات شود این حکم اشتباه بوده، باید خسارت وارده به آن فرد جبران شود اما اینکه چگونه می‌شود این موضوع را جبران مادی و معنوی کرد، موضوع پیچیده‌ای است.

یکی از موضوعات پرتکرار پرونده‌ها ادعای تعرض است. این پرونده‌ها در سیر رسیدگی چه روندی را معمولاً طی می‌کنند؟

اول باید بگویم که در این موضوع معمولاً شرایط یکسان نیست و این حادثه می‌تواند از طرق مختلف رخ دهد. ممکن است فردی به زور و جبر مورد تعرض قرار گیرد یا در یک حادثه آدم‌ربایی مورد تعرض قرار گیرد و فرد دیگری نیز ممکن است با میل خود به خانه فردی رفته باشد اما انتظار این موضوع را نداشته، اما فرد متجاوز از حد خود خارج می‌شود و تعرض می‌کند.

سؤالی که بار اول در دادگاه مطرح می‌شود این است که آیا همسایگان سرو صدا شنیده‌اند یا خیر و در صورت اینکه همسایه‌ها سر و صدا را تأیید نکنند، سؤال قاضی این خواهد بود که چرا طلب استمداد نکردید! که در این موارد برخی از فشار روحی یا دستپاچگی می‌گویند و از این دو عامل به عنوان اینکه چرا داد و فریاد نکردند، یاد می‌کنند.

اولین اقدام فردی که مورد تعرض قرار گرفته این است که به پزشکی قانونی مراجعه کند و مورد معاینه قرار گیرد و در آنجا اصل و زمان تجاوز و اینکه این موضوع با اکراه بوده یا خیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

البته تجاوز فقط جنسی نیست و تعرض انواع مختلفی دارد که متأسفانه روزانه برخی از زنان جامعه در معرض آن قرار می‌گیرند. امیدوارم با تصویب لایحه تأمین امنیت زنان این موضوعات حل شود.

طبق تجربه باید بگویم که بعید است تجاوزی از نوع آدم‌ربایی باشد و به نتیجه نرسد، قانونگذار مجازات سنگین اعدام را برای این موضوع در نظر گرفته است اما وقتی این اتفاق در جمع یا محافل دوستانه اتفاق می‌افتد، ممکن است سخت‌تر اثبات شود. چراکه فرد بزه دیده وقتی با رضایت به محلی رفته است، اثبات این قضیه که با اکراه مورد تجاوز قرار گرفته سخت می‌شود.